خبر

انهدام یک تیم تروریستی ضدانقلاب در منطقه عمومی چالدران

● **ایسنا:** روابط‌عمومی قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) نیروی زمینی سپاه از انهدام یک تیم تروریستی ضدانقلاب در درگیری با رزمندگان قرارگاه در منطقه عمومی چالدران در استان آذربایجان غربی خبر داد. در این اطلاعیه آمده است: صبح امروز (سه‌شنبه) رزمندگان قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع) با یک تیم تروریستی ضدانقلاب وابسته به استکبار جهانی که قصد نفوذ به داخل مرزهای کشورمان را داشت، در منطقه عمومی چالدران در استان آذربایجان غربی درگیر و با هلاکت دو نفر و زخمی‌شدن بقایای اشرار، این تیم تروریستی را منهدم کردند. در این درگیری دو نفر از رزمندگان شجاع و دلاور بومی چالدران به فیض شهادت نائل آمدند. در درگیری میان رزمندگان قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع) با این تیم تروریستی مقادیر قابل‌توجهی سلاح، تجهیزات، مهمات و سیستم‌های ارتباطی از تروریست‌ها کشف و ضبط شد. عملیات تعقیب بقایای متواری‌شده این تیم تروریستی همچنان ادامه دارد.

سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰:

استعلام حقوق‌های غیرمتعارف از هر ۳ قوه

● **ایسنا:** سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی گفت که اگر موضوع حقوق‌های غیرمتعارف اثبات شود، کمیسیون اصل ۹۰ در این زمینه به صورت جدی‌تر ورود می‌کند و نظارت جامع‌تری را خواهد داشت و استعلاماتی را از هر سه قوه دریافت می‌کند. او اضافه کرد: به‌تازگی فهرستی از حقوق‌های غیرمتعارف در صندوق بازنشستگی منتشر شده که قابل بررسی در کمیسیون اصل ۹۰ است. نماینده مردم شیراز در مجلس ادامه داد: پیش‌ازاین هم گزارش‌های موردی داشتیم که مدیران برخی ادارات در شهرستان‌ها حقوق‌های غیرمتعارف دریافت می‌کنند. در این زمینه استعلام‌هایی از وزارتخانه‌های مربوطه صورت گرفته که اگر صحت داشته باشد و اثبات شود، نظارت جامع‌تری را می‌طلبد. هفته گذشته هم یکی از نمایندگان تذکری درباره فعالیت بازنشستگان در مسندهای بالای بنیاد شهید داد که این موضوع هم در کمیسیون بررسی می‌شود.

«شرق» بررسی می‌کند

تحزب در ایران؛ حزب توده کجای کودتا ایستاده بود؟

مهرشاد ایمانی: تحزب در ایران گرچه همواره با موانع متعددی همراه بوده است، اما بازخوانی کنش‌های حزبی در تاریخ معاصر فصل مهمی از جریان‌شناسی سیاسی و فکری را پیش‌روی ما باز می‌کند؛ به‌خصوص وقتی علل ناکامی تحزب در ایران را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که افزون‌بر موانع حزب‌گرایی، توسعه سیاسی به معنای عام در طول تاریخ معاصر ایران با چالش‌های بسیاری همراه بوده است که گاه این چالش‌ها برخاسته از مشی غیرحزبی احزاب و سوق آنها به انقلابی‌گری شکل گرفته و گاه ناشی از اعمال نظر مسئولان وقت بوده است. شاید بتوان گفت که تحزب به معنای امروزی‌اش از اوایل قرن ۱۴ شمسی ایجاد شد؛ دورانی که نیروهای چپ‌گرا تحت‌تاثیر اندیشه‌های اتحاد جماهیر شوروی در ایران فعالیت خود را آغاز کردند و توانستند در سال ۱۳۲۰ اقدامات خود را تحت عنوان حزب توده رسمیت ببخشند. گرچه می‌توان سابقه تحزب در ایران را به پیش از حزب توده نیز تسری داد و گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی را خاصه در جنبش مشروطیت جست‌وجو کرد، اما آنچه امروز با قواعد حزبی مرسوم شناسایی می‌شود شاید در سده اخیر بیشتر قابل مشاهده باشد؛ ازاین‌رو روزنامه «شرق» در پرونده «تحزب در ایران» هفته‌ای یک‌بار به بازخوانی احزاب معاصر می‌پردازد که نخستینِ این جستار را با حزب توده آغاز می‌کنیم.

شکل‌گیری حزب توده

سال ۱۳۲۰ بود که حزب توده ایران اعلام موجودیت کرد؛ حزبی که مؤسسان نخستین آن شامل ۲۷ نفر از اعضای ۵۳ نفر مارکسیست زندانی‌شده در سال ۱۳۱۶ که در این زمان آزاد شده بودند، می‌شد. مؤسسان حزب در ابتدای کار چهار هدف مشخص؛ یعنی آزادی باقی‌مانده گروه ۵۳ نفر از زندان، به‌رسمیت‌شناخته‌شدن حزب توده به‌عنوان سازمانی قانونی، انتشار روزنامه و امکان جذب دموکرات‌ها، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌های کهنه‌کار، مارکسیست‌های جوان و حتی غیرمارکسیست‌های رادیکال را در دستور کار داشتند. ایرج اسکندری در ۱۳ شهریور ۱۳۲۳ در روزنامه رهبر در تبیین اهداف حزب توده این‌گونه نوشت: «هدف حزب توده متحدکردن توده‌ها، کارگران، دهقانان، تجار، صنعتگران و روشنفکران مترقی است. البته این طبقات از نظر اقتصادی تفاوت دارند. مثلا، درحالی‌که کارگران چیزی غیر از نیروی کار خود ندارند، صنعتگران کنترل ابزار تولیدشان را در دست دارند و دهقانان هم قطعه‌زمینی دارند یا در آرزوی به‌دست‌آوردن آن هستند؛ ولی در ایران معاصر، این اختلاف تحت‌الشعاع مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، زمین‌داران غایب، سرمایه‌داران استثمارگر و صاحبان چپاول‌گر صنایع قرار گرفته است. وظیفه ما متحدکردن طبقات استثمارشده و ایجاد حزبی متشکل از توده‌هاست».

تظاهرات حزب توده علیه انگلیس و آمریکا، ۱۰ تیر ۱۳۳۰

حزب توده و فرقه آذربایجان

حزب توده از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ توانست هشت نماینده به مجلس شورای ملی بفرستد و حتی در مجلس فراکسیون توده را ایجاد کند و تا پیدایش فرقه دموکرات آذربایجان و پارت دموکرات کردستان به وسیله وزرای کابینه نفوذ گسترده‌ای در دولت قوام داشت. در خرداد سال ۱۳۲۲ شوروی بدون اطلاع دولت ایران و شاه، یک تیم توپوگرافی نفت به ایران گسیل کرد. آنها در لباس مهندسان ارتش به گیلان و مازندران سفر کردند و تنها مأموریتشان، ارزیابی چندوچون ذخایر گاز و نفت شمال ایران بود. آنچه این گروه مهندسان کشف کردند، برای استالین و رئیس پلیس او، بریا، شگفت‌انگیز بود. آنها دریافتند که ذخایر نفت و گاز شمال ایران، کمتر از حوضچه نفت و گازی جنوبی ایران نیست و تحت کنترل بریتانیا قرار ندارد. البته استالین از اوایل قرن بیستم؛ یعنی زمانی که در جوانی در باکو، ابتدا گانگستر و سپس فعال انقلابی بود، می‌دانست که این خطه دریای خزر، نفت‌خیز است و در آن روزها، باکو را بزرگ‌ترین شهر نفتی دنیا می‌خواند. در یادداشتی در سال ۱۳۲۴ که به ظاهر به امضای دفتر سیاسی کمونیست شوروی رسیده بود، حزب کمونیست آذربایجان شوروی موظف شد تا همه اقدام‌های لازم را برای ایجاد جنبشی جدایی‌طلبی در آذربایجان و دیگر استان‌های شمالی ایران انجام دهد؛ بنا بر این فرمان، جنبش استقلال ملی در آذربایجان ایران ایجاد شد و توانست قدرت‌های گسترده‌ای را در چارچوب کلی ایران از آن خود کند. حزب کمونیست همچنین موظف شد در میان کُردهای شمال ایران، وارد فعالیت شود و آنها را به ایجاد کردستان مستقلی ترغیب کند. در همین زمان، عبدالصمد کامبخش، دبیرکل حزب توده ایران، به باکو فراخوانده شد و در آنجا دستور گرفت تشکیلات حزب توده در آذربایجان را یکجا منحل و همه افراد را در تشکیلات جدیدی به نام «حزب دموکرات آذربایجان» عضو کند. پس از تشکیل فرقه، شاخه آذربایجان حزب توده، خود را منحل کرد و به اعضای آن شاخه دستور داد که به فرقه بپیوندند. دبیر کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان، صادق پادگان بود. پادگان مأمور جدایی کمیته ایالتی و ادغام آن با فرقه دموکرات شد و پس از رایزنی‌های نهایی بین پیشه‌وری، پادگان و شبستری، پادگان به تهران رفت تا کمیته مرکزی حزب توده را از تصمیمی که گرفته شده بود آگاه کند. فریدون کشاورز، عضو کمیته مرکزی حزب توده و نماینده وقت مجلس دراین‌باره نوشت: «روز قبل از اعلام تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان، کمیته مرکزی حزب در منزل من جلسه داشت، زیرا من مصونیت پارلمانی داشتم و دفتر حزب در اشغال سربازان بود... من در جلسه بودم که مرا صدا کردند که پادگان، دبیر تشکیلات ایالتی حزب در آذربایجان از تبریز آمده و کار فوری دارد. او را به جلسه بردم. او در جلسه گفت که من از تبریز رسیده‌ام و فوری باید برگردم. من آمده‌ام به شما اطلاع بدهم که فردا تمام سازمان حزب ما در آذربایجان، از حزب توده ایران جدا شده و به فرقه دموکرات آذربایجان که تشکیل آن فردا اعلام خواهد شد می‌پیوندد». کمیته مرکزی، ایرج اسکندری را مأمور کرد که نامه اعتراضی دراین‌باره به حزب کمونیست شوروی بنویسد و او نیز نوشت، ولی هیچ‌وقت جواب این نامه نرسید. مجموعا سران حزب توده هیچ‌گاه در قبال سیاست‌های شوروی به عاملیت سیدجعفر پیشه‌وری موضع صریح حمایتی یا انکاری نگرفتند، اما با توجه به حمایت آنها از درخواست اعطای نفت شمال که شوروی مطرح می‌کرد، می‌توان نتیجه گرفت که با ماجرای فرقه نیز چندان زاویه‌ای نداشتند، زیرا ایجاد فرقه به نوعی واکنش به مخالفت ایران با اعطای نفت شمال به شوروی بود.

انحلال

ارتباط حزب توده با جبهه ملی در این سال‌ها قابل‌توجه است. مصدق برای رفع دخالت‌های انگلیس و به نوعی در واکنش سلبی به سیاست‌های این کشور همواره تصور می‌کرد که می‌تواند با نزدیکی به آمریکا نوعی موازنه منفی ایجاد کند، اما فرای اینها دو موضوع باعث می‌شد که حزب توده با سیاست‌های مصدق همراه نباشد. آنها از یک‌سو تصور می‌کردند که اهداف جبهه ملی به بورژوازی ملی منجر می‌شود و از سوی دیگر ملی‌شدن صنعت نفت را تنها برای جنوب ایران مناسب می‌دانستند. بی‌تردید هیچ عامل دیگری جز تأمین امیال شوروی و تضعیف منافع انگلیس در ایران در این خواسته وجود ندارد؛ به معنای دیگر حزب توده چندان به نفت به‌عنوان یک منفعت ملی نگاه نمی‌کرد، بلکه در آن مقطع نفت برای این حزب به ابزار تأمین خواسته‌های سیاسی تبدیل شده بود. آنها در توجیه نظریه خود می‌گفتند که در شرایطی که نفت جنوب در اختیار انگلستان است، برای برقراری موازنه قدرت و دوری از اتهام نزدیکی به انگلیس و حفظ دوستی با شوروی باید نفت شمال را هم به شوروی‌ها داد؛ درصورتی‌که مصدق درعین‌حال که به‌شدت با چنین نظری مخالفت کرد، بر ملی‌شدن صنعت نفت اصرار ورزید. البته حزب توده در همه ابعاد در ضدیت با جبهه ملی قرار نداشت؛ بلکه در مخالفت با شاه تقریبا همسو بودند؛ هرچند ممکن است در مصادیق به طور کامل یکسان موضع نمی‌گرفتند؛ اما در کلیت هر دو اینها از مخالفان شاه محسوب می‌شدند؛ به‌نحوی‌که مصدق باور داشت شاه باید سلطنت کند و نه حکومت و حزب توده شاه را به دلیل نزدیکی به «امپریالیسم» مورد نقد قرار می‌داد. طبیعتا انتقادهایی که مصدق از باب ملی به شاه می‌کرد، می‌توانست مخاطبش حزب توده نیز باشد؛ زیرا اگر شاه به غرب نزدیک بود، توده نیز با شوروی پیمانی ناگسستنی داشت؛ اما به‌هرروی فارغ از چنین مسائلی جبهه ملی و حزب توده هر دو البته با خوانش‌های متفاوت منتقد و مخالف شاه بودند.

ادعاهای کیانوری درباره حمایت حزب از مصدق

هرچند نورالدین کیانوری در سال ۵۸ در گفت‌وگویی با هفته‌نامه «امید ایران» حزب توده را همراه مصدق دانست و گفت که اگر هم مخالفتی در موضوع نفت با مصدق می‌شد، برای آن بود که اعضای حزب می‌ترسیدند که نفت ایران به دست آمریکایی‌ها بیفتد: «ما یک نکته را درست می‌دیدیم که جبهه ملی نمی‌دید...

ادامه در صفحه ۱۵

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **چرا به فکر کاهش قیمت لبنیات نیستند؟**
قیمت شیر، ماست و پنیر در سال چندبار گران شد و با وجود اعتراض‌ها چرا هیچ‌کس به فکر کاهش قیمت لبنیات نیست؟

ارسلان صباحی

● سؤالی از مسئولان محترمی که اعلام کردند کارت‌های ملی قدیمی دیگر اعتبار ندارد، داشتم. مگر کارت‌های جدید را تحویل داده‌اند که کارت‌های قدیمی را باطل کرده‌اند؟ من یک سال است اقدام کرده‌ام، ولی هیچ خبری از کارت ملی جدیدم نشده است. نمی‌دانم چرا وقتی مشکل حل نشده، مشکل دیگری درست می‌کنند؟

یک مخاطب

● از وزارت بهداشت به دلیل گذاشتن دستورالعمل شرط حداقل۲۰درصد زدن تست زبان انگلیسی برای قبولی در کنکور ارشد تشکر می‌کنیم. نباید مواردی مانند نیاز یا مناطق‌محروم‌بودن باعث تربیت فارغ‌التحصیلانی کم‌سواد شود. اگر به‌جای هشت نفر دانشجو، چهار نفر دانشجو سر کلاس باشند، ولی اعتبار مدرک کشورمان بالا باشد و جامعه بتواند به مدرک اعتماد کند، اعتمادی که به دلایل سیاسی و جذب دانشجو بیش از توان دانشگاه‌ها و تجهیزات آنها کم‌کم دارد زیر سؤال می‌رود، احیا می‌شود.

یک مخاطب

● **بازار دوم:** بساط‌گستران در پیاده‌روهای خیابان افسریه مشکل‌ساز شده‌اند. از شهرداری منطقه ۱۵ تقاضای رسیدگی داریم.

محمد رجبی

● **ابلاغیه بدون وسیله:** روزهای گذشته برای شکایت از فردی به یکی از کلانتری‌های تهران رفتم، برای ابلاغیه گفتند باید وسیله نقلیه داشته باشم. آیا کلانتری‌ها نباید خودشان این کار را انجام دهند؟

یک مخاطب

● **میدان بسازند:** با وجود ترافیک میدان شهدای تهران، این محل میدان ندارد فقط تابلو میدان شهدا نصب شده است. از شهرداری منطقه تقاضا داریم در این مکان میدان بسازند.

افسانه